



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۹/۲۲

م. اسحاق نگارگر

داستان شکر شبلی (رح) و سی سال توبه او از آن شکر:



به یاد دوستان کابل

میگویند باری بازاری در بغداد گرفتار حریق گردید که شبلی نیز در آن بازار دکانی داشت و یکی برایش گفت: «دکان تو از بلای آتش مصون مانده است! از دهان شبلی کلمه «شکر» پرید. هاتفی به گوشش گفت: این همه دکان سوخت و تو برای اینکه از درد یاران سهمی نبرده ای شکر می گویی!» گویند شبلی تا سی سال از همان شکر توبه می کشید. من این روزها به یاد دوستان کابل می افتم و آن شکر شبلی نیز به یادم می آید.

قصه از این قرار است که این روزها بازار انتحاری ها گرم است و من هنگامی که خبر آن را می شنوم نظر به اینکه انتحار و انفجار در کدام نقطه شهر رخ داده است فکرم به سوی همه دوستان کابل؛ جلال آباد؛ پروان و دیگر جاها میرود که مبادا گرفتار بید حادثه شده باشند و اما این چه ربطی به شکر شبلی دارد؟

حقیقت این است که وقتی خودت در معرض خطر قرار نداری؛ خطری بالفعل تهدیدت نمی کند؛ صبح که از خانه بیرون میروی نگران این موضوع نیستی که شاید چانس برگشت به خانه و دیدار عزیزان خویش را نداشته باشی بنا بر این میدانی که آزادی و اطمینان خاطر بسیار گرانبه است و میخواهد از زبانت بپرد که «شکر» و همین گونه شکر همان شکر شبلی است که اگر از زبانت بپرد در برابر همه آن دوستان که آنان را می شناسی و یا هیچ نمی شناسی ولی به نام این که ادعای احساس انسانی داری تخیل نیرومند شاعرانه ات به یکایک آن خانه های ماتم زده سر می کشد و فریاد های پُر از درد و ضجه هزاران مادر؛ هزاران خواهر؛ هزاران پدر؛ هزاران دختر و پسر را می شنوی و در کنار نعش های خون آلوده عزیزان به سفر ابدی فرستاده شده می ایستی و با خود میگوئی رحم و عاطفه انسانی از این کشور چرا و به کجا کوچیده است و چه وقت باز می گردد؟ تا چه وقت ما دیگران را به خاطر فاجعه ای که خود بر سر خود آورده ایم ملامت میکنیم.

برای کسی که ما او را گرفتار اجل پیشرس کرده ایم چه فرق میکند که او را بُم های هوایی امریکا کُشته است یا انتحار کننده طالب خلعت هستی اش را از او گرفته است. من دیگر از احساس شکر شبلی که گناه عارف است نیز باز مانده ام و گاه گاه با خود میگویم اگر در وطن بودم و به اصطلاح معروف در درون بلا بودم امکان داشت بُمی هم به سراغ من بیاید و این رنج روزمره ام را به پایان برساند آخر تا چه وقت میتوان زنده بود و زجر این همه فُرَبانیان بیگناه را کشید؟

خدای بزرگ نیز مرگ را مصیبت میداند ولی ما انسان ها را تماشا کن که هی گلیم این مصیبت را گُسترده تر هموار میکنیم!

فردا ممکن جنگی دیگر بر ضد ایران راه بیفتد و زندگانی هزاران بیگناه قربان سیاستمداران لجوج و جنگ طلب شود. اجداد ما وقتی که از جدال های قبیلوی به سوی دولتسازی و نظم گذار میکردند هدف شان این بود که به نظم و هماهنگی و امنیت برسند ولی جهان ما چنان گرفتار هوی و هوس های سیاستمداران شده است که نیم جهان به تالاب های خون بدل گردیده است و مردم مشغول توجیه خطاهای سیاستمداران خود شده اند. ما برای خودداری از جنگ سازمانی به نام ملل متحد به وجود آوردیم که از موضع عدالت و بیطرفی در قضایای جهان داورى کند ولی زورمندان در آن برای خود امتیاز حق ویتو را گرفتند و سازمان ملل را به یک کانون «پهلوان زنده خوش است» بدل کردند و اینک این داور قضایای جهان که بدبختانه داور بیطرف نیست نظیر آن آمر فاقد صلاحیت در فیصله های خود می نویسد: «بنده بی دخل است» مردم عاجز و بیچاره جهان تا چه وقت از آزادی و امنیت به دور بمانند. آخر شما محکمه ای را تصور بکنید که در آن یک یا چند عضو آن محکمه به شیوه استثنائی حق داشته باشند که وقتی یک فیصله را به نفع خود و یاران خود ندیدند خود خواهانه بگویند «من یا ما این فیصله را قبول نداریم!»

آخر برای ما هیچکاره های جهان که بعد از هر چند سال به سراغ ما می آید و از ما رأی می خواهید و به اتکای همان رأی به قدرت میرسید و آنگاه راه خود می روید و به ریش ما می خندید! بگویید که تا چه وقت این پهلوانی در قضایای جهان ادامه دارد؟ انسان در همزیستی و تحمل عقاید و فرهنگ های گوناگون است که به آسایش می رسد. لطفاً تلاش مکنید که ما همه را به بهشت ایدئال خود ببرید و برای ما آزادی رفتن به دوزخ را نیز بدهید.

یاد همه دوستان و هموطنان به خیر باد که دیگر کاسه صبر ما از این همه درد و غم و مرگ و میر مالا مال شده است و ما با هم فریاد می زنیم که جنگ دیگر بس است و شما هم بالاخره معنای «بس» را بفهمید و دست از سر گل ما بردارید.

(از دوستان صاحب کاکل عذر میخوام که من در آیینۀ کمپیوتر کله خود را می دیدم و می پنداشتم که همه کله ها همانند کله من است.) راستی آنها که داد می زنند: «ای وطن می سازمت آخر خودم می سازمت» اگر راستی وطن را میسازند طوری بسازند که خون این همه هموطن بیهوده بر خاک نریزد.

والسلام نامه تمام باعرض خُرمت نگارگر ۲۱ سپتمبر ۲۰۱۹ برمنگهم
